

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش هفتم)

باورهای مرتبط با ازدواج و عروسی

قسمت دوم



چکیده

آیین همسرگزینی و ازدواج در بین قوم ترکمن یکی از مهم‌ترین، رایج‌ترین و ماندگارترین آیین‌های این قوم محسوب می‌شود. باتوجه به جایگاه خانواده در بنیان‌های اجتماعی قوم ترکمن، آیین ازدواج و عروسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و مشتمل بر باورها، رسوم و تشریفات ویژه‌ای است. به واسطه‌ی جامعیت و فراگیر بودن این آیین، بسیاری از باورها، آداب و رسوم جزئی‌تر این قوم ذیل این آیین تعریف شده و بستر زمانی اجرای برخی از این رسوم، در بازه‌ی زمانی همسرگزینی تا انتقال عروس به خانه‌ی شوهر و پس از آن، تعریف می‌شود. در پژوهش پیش‌رو، صرف‌نظر از رسوم، آداب و عادات رایج در آیین عروسی ترکمن، صرفاً تمرکز بر باورهای مرتبط با این آیین بوده و تنها در برخی موارد به منظور ارائه‌ی درکی روشن‌تر و درست‌تر از این باورها، به شرح برخی آداب و عادات و رسوم نیز پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ترکمن- فرهنگ عامه- باورها- ازدواج- عروسی

■ مقدمه

شاخه‌ها، طوایف و تیره‌های قوم ترکمن در گستره‌ی وسیعی از شمال و شمال شرقی ایران، ترکمنستان و برخی کشورهای آسیای میانه ساکن هستند، که هریک از آن‌ها بسته به ریشه‌های فرهنگی، تأثیرات اقلیمی، ساختار معیشتی، اثرپذیری از فرهنگ‌های همجوار و... دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خاص خود بوده و به همین نسبت ضمن برخورداری از یک فرهنگ مشترک و جامع، دارای تفاوت‌هایی از باورها، آداب، عادات و رسوم می‌باشند. پژوهش پیش‌رو بیشتر با تکیه بر باورهای اقوام ترکمن ساکن ایران و البته برخی اقوام ترکمن ساکن کشور ترکمنستان کنونی، با بهره‌گیری از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و مطالعات میدانی این پژوهش نیز غالباً مبتنی بر ثبت داده‌های شفاهی اقوام ترکمن ساکن استان‌های گلستان و خراسان شمالی می‌باشد.

بخش نخست این مقاله که در شماره پیشین فصلنامه میرداماد (شماره ۴۱-۴۰) منتشر شد، شامل مطالب زیر بود: الف- باورهای مرتبط با انتخاب دختر و جلب نظر خانواده‌ی او. ب- باورهای مرتبط با خواستگاری. ج- باورهای مرتبط به قبل از مراسم گلین‌آلیجی (عروس‌کشان). د- باورهای مرتبط به تعیین روز عروسی (روزهای سعد و نحس). ه- باورهای مرتبط به مراسم گلین‌آلیجی. و- باورهای مرتبط با پوشش عروس. ز- باورهای مرتبط با وداع والدین با دختر. ح- باورهای مرتبط با حرکت دادن دختر از خانه پدر و مادر به خانه شوهر. ط- نمادشناسی و شناخت باورهای مرتبط با هدایا و تحفه‌هایی که در مراسم عروسی رد و بدل می‌شود. ی- یا- باورهای مرتبط با آن‌چه که عروس نباید از خانه پدر خود به خانه شوهر ببرد. یب- باور به باز شدن بخت توسط عروس یا متعلقات او. یج- باور به برداشتن تحفه از خانه عروس به عنوان شگون.

در این شماره‌ی فصلنامه نیز بخش دوم مقاله، با ادامه‌ی باورهای مرتبط به زمان حرکت دادن عروس به سوی خانه‌ی داماد، آغاز شده و باقی باورها پیرامون آرزوی زندگی خوش و پربرکت برای عروس و داماد، تبرک برای باز شدن بخت سایر جوانان و در نهایت باورهای مرتبط با پی‌ریزی و استحکام خانواده‌ی جدید و باورهای مربوط به مقدمات فرزنددار شدن عروس و داماد است.

■ باورها و آداب مرتبط با حرکت دادن عروس از خانه پدر به خانه شوهر

در قسمت نخست این مقاله به بخشی از این آداب و باورها اشاره شد، در این جا نیز بخش دیگری از آداب و باورهای رایج در بین برخی از طوایف ترکمن در ارتباط با مرحله‌ی حرکت کاروان عروس به سوی خانه داماد، بیان خواهد شد.

■ ریختن خاک و آب و نیز پرتاب سنگ، پشت سر عروس

گروهی از طوایف ترکمن، برای آن که عروس به خانه شوهرش دلبسته شود و از آن جا دل نَکند، پشت سر عروس خاک می‌ریزند. با این نیت که با خاک خانه‌ی پدری برود و پیوندی استوار با خانه جدیدش برقرار کند.^۱ در ترکمنستان، پس از رفتن کاروان عروس، پشت سر مرکب عروس، یک ظرف آب می‌ریزند. با این باور و آرزو که همه چیز مثل آب پاک و تمیز باشد^۲ و در باوری دیگر این کار به منظور آوردن برکت و وحدت به خانه جدید انجام می‌گیرد.^۳ در میان نُخوری‌ها هم به نیت این که سفر عروس به خانه‌ی جدید هم چون آب زلال، روان و ساده باشد، یک ظرف آب پشت سر کاروان عروس به زمین می‌ریزند.^۴

البته در بین سایر اقوام ایرانی، ریختن آب در پشت سر مسافر، با این آرزو و نیت انجام می‌شود که سفر او به خوبی و سلامتی انجام شده و در صحت و سلامت و با موفقیت به خانه بازگردد. در واقع آب نماد زندگی و جاری کردن آب بر زمین، به مفهوم جاری کردن زندگی است؛ یعنی مسافر در مسیر خود مانند آب جاری شده، موانع را پشت سر بگذارد و در طول سفر زندگی و سلامتی او تداوم داشته باشد. در مقابل، ریختن خاک در پشت سر مسافر، عموماً جنبه‌ی منفی داشته و به این معناست که مسافر برود و دیگر بازنگردد. بر مبنای همین باور، جارو کردن زمین در پشت سر مسافر نیز شگون نداشت، چرا که جارو کردن موجب بلند شدن خاک از روی زمین شده و ممکن بود مسافر در مسیر سفر خود اسیر خاک شود (بمیرد). ریختن نمک در کفش میهمان یا مسافر نیز به همین معناست که زودتر برود و بازنگردد. البته در مواردی که مسافر خودش به قصد کوچ و نقل مکان همیشگی اقدام به سفر می‌کند، ریختن خاک، با نیت و آرزوی موفقیت در سفر و جاگیر شدن در مکان جدید خواهد بود. از سوی دیگر، باتوجه به این که در گذشته تمامی راه‌ها خاکی بود و گاهی اوقات مسافران با عبور از بیابان‌ها، گرفتار طوفان و گرد و خاک می‌شدند و اصطلاح «نشستن غبار راه بر روی شخص» ناشی از همین امر بود، بنابراین، وقتی با نیت خیر پشت سر مسافر خاک می‌ریختند، اصطلاحاً او را با گرد راه آشنا و آموخته کرده، این گونه آرزو می‌کردند که غبار راه بر او سبک گردد. با همین استدلال، یکی از جنبه‌های ریختن آب در پشت سر مسافر نیز می‌توانست با نیت فرونشاندن غبار راه و آرزوی عدم برخورد مسافر با طوفان‌های گرد و خاک و گردبادها باشد!

در برخی مناطق دیگر، به جای ریختن آب یا خاک، پشت سر عروس سنگ پرتاب می‌کنند تا عروس همانند سنگ، در خانه‌ی جدید خود جاگیر شده، جا بیفتد، با آن خانه خو بگیرد، آن خانه را از آن خود بداند و به خانه پدر بازنگردد.^۵ در برخی روستاهای ایالت بالکان، تعداد هفت سنگ و هر سنگ با نیتی مشخص پرتاب

می‌شود. طبق برخی روایت‌ها، سنت پرتاب سنگ، توسط کودکان روستا انجام می‌شده، تا احساسات جوانی را ابراز کنند که عاشق دختری بوده، ولی به وصال او نرسیده است.^۶ توضیح این نکته ضروری است که سنگ و کلوخ بایستی کوچک‌تر از اندازه‌ی تخم‌مرغ باشد.^۷

■ تَبَرَّکِ کاروان عروس

کاروان‌های عروس، در مسیر حرکت خود، تکه‌های پارچه را به سوی رهگذران و بچه‌ها پرتاب می‌کردند. این عمل بدین معناست که برای شما هم گرفتن همسر ممکن و نصیب شود. در گذشته به این عمل «دستمال راه» می‌گفتند... و امروزه به جای «دستمال راه» پول هم پخش می‌شود.^۸ علاوه براین، هنگام عبور کاروان عروس از خیابان، تماشاگران دست به سوی کاروان عروس دراز می‌کنند، بعد دست خود را به پیشانی کشیده و این کار را سه بار تکرار می‌کنند. این عمل با این نیت و آرزوست که خداوند باز شدن بخت را نصیب ما یا فرزندان و نزدیکان ما هم بکند.^۹

■ دعای خیر در حق عروس و داماد

یکی از باورهای رایج در بین ترکمن‌ها—که احتمالاً از دوران باستان و پیش از پذیرش دین اسلام نیز وجود داشته است—باور به تأثیر مثبت دعای خیر و درمقابل، اثرات منفی نفرین است. البته این‌که دعا و نفرین از جانب چه کسی و در چه شرایطی وارد می‌شده، مسلماً در اثربخشی آن نقش بسزایی داشته است. بر همین اساس، در برخی روستاهای گوکلان‌نشین، در مسیر حرکت کاروان عروسی، عروس را به خانه‌ی بزرگان دینی که در بین مردم منطقه دارای شهرت خاص، تقوی و پاکدامنی هستند، می‌برند، تا از دعای خیر آن‌ها بهره‌مند شوند.^{۱۰}

■ چَلّه افتادن بر عروس؛ باورهای مرتبط با قطع کردن راه کاروان عروسی و عبور از آن

در گذشته عده‌ای از ترکمن‌ها به «چَلّه» اعتقاد ویژه‌ای داشته‌اند و از افتادن چَلّه به عروس سخت می‌ترسیدند. اورایف می‌نویسد: هنگامی که کجاوه عروس به سوی خانه داماد رهسپار است، عده‌ای از ترکمن‌ها باور دارند که اگر راه کجاوه را بپُرند و از آن رد بشوند، به نوع عروس چَلّه می‌افتد و چنین تصوّر می‌شود که اگر بر نوعروس چَلّه بیفتد، او بیمار شده، صاحب فرزند نخواهد شد، با شوهرش اختلاف پیدا می‌کند و درنهایت برای خانه‌ی شوهر خوش‌قدم نخواهد بود و علاوه براین، در پی چَلّه افتادن بر نوعروس، حوادث ناگوار دیگری از این دست رخ خواهد داد.^{۱۱}

یکی از دلایل قطع کردن راه کاروان عروس و عبور از آن، این است که برخی معتقدند که اگر زنان چَلّه‌دار، راه کاروان عروس را قطع کنند و از آن بگذرند، چَلّه‌شان برطرف خواهد شد. بنابراین، عده‌ای از زنان به عمد چنین اقدامی می‌کردند.^{۱۲}

در فرهنگ عامه‌ی مردم ایران، «چَلّه افتادن بر کسی»، به معنی ابتلای شخص به نوعی طلسم است. برخی بر این باورند که علت «چَلّه» نامیدن این طلسم، این است که این طلسم با چهل قفل و چهل گره بر شخص

بسته شده و به همین واسطه، جزو سخت‌ترین و پیچیده‌ترین طلسم‌هاست. برخی دیگر بر این عقیده هستند که دلیل «چله» نامیدن این طلسم، این است که تداوم اثرگذاری آن یک دوره‌ی چهل‌روزه دارد؛ یعنی کسی که چله بر او می‌افتد، به مدت چهل روز تمامی نیروهای خیر و عوامل نگاهدارنده‌ی او از بلایا، از او دور شده، بسیار آسیب‌پذیر می‌شود و اجنه و شیاطین و ارواح خبیث به راحتی بر او تأثیر می‌گذارند. به روایتی ضعیف‌تر نیز، این طلسم به این علت «چله» نامیده می‌شود که چهل نوع مشکل در زندگی شخص پدید می‌آورد. به‌طور کل مشکلات و اختلالات ناشی از چله افتادن، غالباً پیرامون بسته شدن بخت دختران، ایجاد اختلالاتی در مسائل زناشویی، فروکش کردن تمایلات جنسی، عدم تمایل به نزدیکی با همسر، قاعدگی بی‌موقع، تداوم دوران قاعدگی، ناباروری و نازایی، سقط جنین، تولید بچه‌خوره در رحم مادر، به دنیا آمدن نوزاد مرده یا عجیب‌الخلق، تولد فرزند ناسالم و ناقص، بیمار شدن کودکان، خشک شدن شیر مادر یا فاسد شدن شیر مادر در پستان، دوری کردن مادر از نوزاد، ایجاد افسردگی و اختلالات روانی در تازه‌عروس یا زن باردار و یا زنی که تازه زایمان کرده و مشکلاتی از این دست است. بنابراین، طبق باورهای موجود، غالباً چله بر دختران و زنان و کودکان می‌افتاده است.

در مقابل، اقداماتی برای رفع و دفع چله صورت می‌گرفته، که اصطلاحاً به آن «چله‌بری» یا «چله بریدن» می‌گفتند. در بین عموم اقوام ایرانی، چله‌بری غالباً با خواندنِ اُرداد و دعا‌های گره‌گشا و هم‌چنین باطل‌نامه‌ها همراه بوده و در تکمیل آن نیز اعمالی به‌جا آورده می‌شد، که مردن هر منطقه و هر قوم اعمال خاص خود را داشتند، اما عموماً در این اعمال و آداب، همگی از عنصر آب بهره می‌برند، چنان‌که یکی از آداب چله‌بری، پریدن از جوی آب است.

■ مراقبت از مسیر کاروان عروسی

همان‌طور که بیان شد، از یک سو، در باور ترکمن‌ها قطع کردن راه کاروان عروسی و عبور از میان آن، موجب چله افتادن بر عروس خواهد شد و از سوی دیگر، زنانی که چله بر آنان افتاده، برای رفع چله‌ی خود باید حرکت کاروان را قطع می‌کردند، تا چله‌شان برطرف و باطل شود. بنابراین، با توجه به نگرانی‌هایی که در مورد قطع کردن راه عروس و چله افتادن بر او وجود دارد، صاحبان کاروان عروسی، موقع حرکت کاروان، از مسیر محافظت می‌کنند تا چنین اقدامی صورت نگیرد.^{۱۳}

مسلم است که وقتی کاروان عروس به خانه داماد می‌رسد، عده‌ای به استقبال آن می‌آیند و عده‌ای نیز تماشاگر هستند؛ بنابراین به دلیل وجود جمعیت در جلوی خانه داماد، صاحبان کاروان هم‌چنان تا این مرحله نیز هنوز بیم آن دارند که اشخاصی راه عروس را قطع کنند و سبب شوند که عروس دچار چله و نحسی و سایر بلایا شود. بر همین اساس، صاحبان کاروان که از خویشاوندان داماد هستند، برای جلوگیری از قطع شدن راه عروس، تا لحظه‌ی ورود عروس به داخل خانه داماد، مراقب دو سوی راه عبور او هستند. یکی از اعمالی که برای جلوگیری از قطع راه عروس انجام می‌شود، این است که عده‌ای در اطراف او آتش

کوچکی - که از آتش اسفند بزرگ‌تر نبود - روشن کرده و کجاوه را از روی آتش، یا از اطراف آن می‌گذرانند.^{۱۴}

■ باور به نقش آتش، دود اسپند، تنور و اجاق روشن

هرچند در سنت‌های کهن اقوام مختلف، روش‌های گوناگونی برای باطل کردن انواع طلسم‌ها وجود داشته است، لکن در اغلب این روش‌ها از عناصری چون آتش، دود، گیاهان دارویی و معطر، آب، نمک و امثال آن، استفاده می‌شده است. باتوجه به کاربرد آتش در زندگی انسان، این عنصر در میان اقوام کهن در قالب مفاهیمی چون پاکی، پاک‌کنندگی، ازبین‌برنده‌ی آلیش‌ها، دورکننده و سوزاننده‌ی نیروهای شر، گرما، گرمابخشی، روشنی، روشنایی‌بخشی، امنیت، زندگی و... سمبولیزه شده است. یکی دیگر از مفاهیم سمبولیک آتش، باروری است، چنان‌که اجاق و تنور روشن نیز نشانه‌ی باروری و زاینده‌ی دانسته شده، به همین مناسبت، به شخص نازا، «کوراجاق» یا «اجاق‌کور» می‌گویند. علاوه براین، بخورها و دودهای تولید شده از برخی گیاهان دارویی، که خود تحت تأثیر آتش ایجاد می‌شوند، ضمن پالایش روح و روان، برای ازبین بردن بیماری‌ها و پاک‌سازی محیط‌های آلوده استفاده شده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن‌ها دور کردن نیروهای شر و شیطانی‌ست؛ یکی از این گیاهان، اسپند است، که دودکردن آن برای دفع چشم‌زخم و پالایش جسم و روح به‌کار می‌رود.

ترکمن‌ها بر این باورند که آتش، انسان را از چشم‌زخم، بیماری‌ها، ارواح پلید و بلایا دور نگه می‌دارد.^{۱۵} چنان‌که باور به نقش مثبت آتش، در برخی ضرب‌المثل‌های ترکمنی نیز قابل ردیابی می‌باشد؛ مانند ضرب‌المثل: «اوت آستندا درد (بلا) غالماز»، یعنی: درد و بلا در زیر آتش نمی‌ماند. به بیان دیگر، آتش درد و بلا را می‌سوزاند و ازبین می‌برد. یا ضرب‌المثل: «اوت اوزازا اول اهلی گونادن صاپلایار»، یعنی: آتش مقدس است و تمامی گناهان را پاک می‌کند.^{۱۶}

باتوجه به توضیحات یادشده، قوم ترکمن نیز برای دفع چله افتادن بر عروس، از آتش، اجاق یا تنور روشن و دود اسپند استفاده می‌کرده‌اند. برخی از موارد استفاده از عناصر یادشده، بدین شرح است:

خویشاوندان داماد برای جلوگیری از قطع راه کاروان عروسی و ممانعت از چله افتادن بر عروس، در اطراف کاروان و عروس آتش کوچکی روشن کرده، کجاوه‌ی عروس را از روی آن و یا از اطراف آن عبور می‌دادند.^{۱۷} اوزارهای اوزاریف این رسم و قاعده را مربوط به زمانی می‌دانند که ترکمنان کیش آتش‌پرستی داشته‌اند، که البته در دوران اسلامی نیز ادامه یافته است.^{۱۸}

نویسندگان مختلف در مورد باورهای ترکمن در ارتباط با آتش افروختن در مراسم عروسی، مطالب دیگری را نیز مطرح کرده‌اند، که چند مورد از این مطالب چنین است:

کودکان بر سر راه عروس آتش افروخته و چیزی به پاداش می‌گیرند.^{۱۹} هر کس یا هر بچه‌ای در مسیر ماشین‌های عروس یا کجاوه، آتش روشن کند، از ماشین‌ها به طرف او پول می‌پاشند. این آتش‌ها نشانه سوزاندن شر در زندگی تازه عروس می‌باشد.^{۲۰} وقتی عروس وارد خانه پدر و مادر داماد می‌شود، او را از روی

آتش گذرانده و دور اجاق می‌گردانند؛^{۳۲} درواقع، او را از روی آتش عبور می‌دهند تا اجنه و شیاطین از میان بروند.^{۳۳} به همین منظور است که ماشین و کاروان عروس از میان آتشی که در دو طرف جاده روشن شده، عبور داده می‌شود. براساس باورهای عامیانه ترکمن، آتش، بدی‌ها را از بین می‌برد و روح‌های خبیث را نابود می‌کند.^{۳۴} گرداندن عروس به دور اجاق خانوادگی جدید نیز جزو آداب و رسوم است که نمایانگر احترام به اجاق نیاکان و آتش خانواده است.^{۳۵} علاوه براین، وقتی عروس را دور اجاق روشن می‌گردانند، گویی برای او آرزو می‌کنند که اجاق درون او نیز روشن باشد و به خانوادگی داماد فرزندان را هدیه دهد.

یکی از قدیمی‌ترین آداب ترکمن‌ها، استقبال از عروس با دود اسپند است؛ چنان‌که زنی از طرف خانوادگی داماد، با ظرفی پُر از زغال افروخته آماده است و وقتی که عروس می‌آید، دانه‌های اسپند را روی زغال افروخته ریخته و در حالی که از داخل آن ظرف دود غلیظ اسپند بلند می‌شود، سه بار به دور عروس می‌چرخد. در مناطق شرقی و شمالی ترکمنستان، وقتی عروس وارد خانه می‌شود، آتشی بزرگ روشن می‌شود و مقداری اسپند نیز روی آن می‌ریزند. پس درحالی که از روی آتش دود اسپند متصاعد می‌شود، عروس و داماد سه بار به دور این آتش می‌گردند. آتش بزرگ با این نیت و آرزو روشن می‌شود که عروس و داماد زندگی در خانه‌ی جدید را با پاکی و طهارت آغاز کنند.^{۳۶}

در برخی مناطق شمالی ترکمنستان، نو عروس، پای خود را از روی آتشی که دود اسپند از روی آن برخاسته، عبور می‌دهد و پس از آن وارد خانه می‌شود.^{۳۷}

در مناطق شرقی و جنوب شرقی ترکمنستان -هرچند به ندرت دیده می‌شود- عروس جدید پس از سه بار چرخیدن به دور تنوری که در آن آتش روشن است، وارد خانه می‌شود. همانند نان، تنور نیز در فرهنگ ترکمن مقدس شمرده می‌شود.^{۳۸}

وقتی نو عروس را از روی آتش بپرانی، اگر با خود جن آورده باشد، جن دور می‌شود.^{۳۹} در برخی مناطق ترکمن نشین، عروس را دور آتش می‌گردانند، تا از چشم زخم دیگران در امان باشد و جن به او حمله نکند.^{۴۰} درواقع بر این باورند که وقتی عروس را دور آتش می‌گردانند، هر نوع پلیدی بیرون می‌رود و جن دور می‌شود.^{۴۱}

داماد و عروس را سه بار دور تنور (اجاق) می‌گردانند، تا بدین وسیله خانوادگی دولتمند و با برکت و استوار داشته باشند.^{۴۲}

درضمن، برای چشم نخوردن عروس و داماد^{۴۳} و برای دور کردن اجنه و ارواح، اسپند دود می‌کنند.^{۴۴}

■ رفتن به خانه داماد، با پای پیاده

از گذشته‌های دور تاکنون، عروس وقتی با کاروان از خانه پدر تا خانه داماد می‌رود، سوار بر مرکب (اسب، کجاوه، اتومبیل) است؛ در بین برخی از طوایف، وقتی که عروس به نزدیکی‌های خانه داماد می‌رسد، از کجاوه یا اتومبیل پیاده شده و با پای پیاده به سوی خانه داماد راه می‌افتد.^{۴۵} به نظر می‌رسد پیاده شدن از مرکب اولاً به

مفهوم احترام به خانواده و والدین داماد است. ثانیاً طی این مسیر با پای پیاده، به مفهوم کنار گذاشتن کبر و غرور و نخوت و ابراز تواضع و فروتنی در برابر خانواده داماد است. دیگر این که عروس با این کار اعلام می‌کند به دور از هر نوع توقعات بی‌جا و زیاده‌خواهی، زندگی جدید را با قناعت و سادگی آغاز خواهد کرد.

■ پرتاب سنگریزه به سوی عروس و داماد

وقتی که ماشین عروس به خانه داماد می‌رسد و عروس و داماد از ماشین بیرون می‌آیند، دوستان‌شان به روی آنان سنگریزه پرتاب می‌کنند. معنا و مفهوم این عمل آن است که فراموش نکنید که در زندگی همان‌طور که ایام خوش وجود دارد، ایام تلخ هم وجود خواهد داشت.^{۳۵}

■ قرار دادن آینه در برابر چهره عروس

در میان برخی از طوایف ترکمن، هنگام پیاده شدن عروس از ماشین و یا اسب، آینه‌ای در برابر چهره‌اش گرفته می‌شود،^{۳۶} به خاطر این که خوش‌شانس بشود.^{۳۷} در بین سایر اقوام ایرانی نیز نگاه کردن در آینه با نیت خوشبختی، رایج است. در بسیاری از روستاهای ایران هنگامی که عروس را با مرکب به خانه داماد می‌برند، در طول مسیر شخصی آینه در دست، در حالی که آینه را روبه عروس گرفته، در جلوی قافله‌ی عروس در حرکت است. علاوه بر این، بر سر سفره‌ی عقد نیز آینه را در مقابل صورت عروس قرار می‌دهند. هم‌چنین اغلب ایرانیان نخستین وسیله‌ای که به خانه جدید می‌برند آینه و قرآن است. ایرانیان برای بدرقه‌ی مسافر و آرزوی سفری توأم با سلامتی برای او، مسافر را با آینه و قرآن بدرقه می‌کنند. بنابراین، باتوجه به این که رفتن عروس به خانه داماد نوعی سفر به سوی یک زندگی جدید است، گرفتن آینه در مقابل عروس، می‌تواند نوعی بدرقه‌ی عروس با آرزوی خوشبختی و سلامتی برای او باشد.

در میان گوکلان‌ها چنین رایج است که وقتی کجبه عروس به خانه داماد می‌رسد، شخصی کوزه پُر آبی را بر سر راه کجبه عروس می‌شکند؛ به این نیت که نگرانی‌ها و اضطراب عروس چون سیل جاری شده و از بین برود.^{۳۸} عمو یا یکی از خویشاوندان نسبی و درجه یک داماد نیز چند تیر تفنگ شلیک می‌کند، تا بر شور و شغف و شادی جشن عروسی افزوده شود.^{۳۹}

■ باورهای مرتبط با ورود عروس به خانه داماد

■ سلام دوگانه

در مناطق شمالی و شرقی ترکمنستان، عروس پیش از ورود به خانه‌ی جدید، به بزرگ‌ترها، خویشاوندان تازه و مهمانان، به ترتیب دو بار سلام می‌دهد.^{۴۰}

■ نان و آب

هنگام وارد شدن عروس به خانه‌ی جدید، زیر هر یک از بغل‌های عروس، یک قرص نان می‌گذارند و جلوی پای عروس آب ریخته می‌شود. عروس نیز پس از ریخته شدن آب، از آستانه خانه جدیدش وارد می‌شود. براساس باور عمومی، نان نماد برکت و آب نماد روشنایی است.^{۴۱}



عروس ترکمن در دوره قاجار

■ کوبیدن میخ

یکی از اقدامات دیگر، کوبیدن میخ و یا میخ‌طویله در درب ورودی خانه داماد می‌باشد. در برخی مناطق با آمدن عروس، در آستانه درب ورودی آن خانه، سه عدد میخ و در هر گوشه از دیوار آن خانه یک عدد میخ می‌کوبیده‌اند. این کار از سوی سالخورده‌ترین زن آن خانه انجام می‌شده... با این باور که عروس هم‌چون میخ، در چهار ستون خانه شوهر مستحکم بشود^{۴۲} و یا خود عروس در ورودی منزل جدید میخ‌طویله به زمین می‌کوبد، تا به خانه جدید بسته و وابسته بماند.^{۴۳} در نزد نَخُورلی‌ها نیز میخ‌هایی که از منزل پدر عروس کنده شده بود، بلافاصله در منزل جدید کوبیده می‌شود، تا عروس مانند میخ ثابت و استوار بماند.^{۴۴}

■ آویزان کردن پای بَرّه

در باوری دیگر، برای این‌که عروس پا از خانه شوهر بیرون نگذارد، به درگاه خانه پای بَرّه آویزان می‌کنند.^{۴۵}

■ پاشیدن نقل و نبات و سگّه و آرد گندم

وقتی عروس را در مقابل خانه داماد از کجاوه پیاده کردند، بر سرش نُقل و نبات و آرد گندم می‌ریزند، که نشانه برکت است. هم‌چنین در میان جمع میوه و خشکبار و آب‌نبات و سگّه پخش می‌کنند^{۴۶} و یا مادر داماد مقدار کمی آرد گندم به نشانه خوشبختی و برکت روی سر عروس می‌ریزد.^{۴۷}

■ شکستن ظرف

براساس برخی از باورهای رایج بین گروهی از ترکمن‌ها، رسم است که بشقاب یا هر نوع ظرف چینی یا سفالین را می‌شکنند. هرچند امروزه این رسم در برخی مناطق ترکمن‌نشین مانند گنبدکاووس و... وجود ندارد، ولی در ترکمنستان و منطقه جَرگَلان و بجنورد در استان خراسان شمالی، در میان ترکمنان نخورلی رایج است. در ترکمنستان، رسم بر این است که عروس و داماد، در ابتدای ورود به خانه‌ی پدر داماد، چند ظرف چینی را زیر پای خود می‌شکنند.^{۴۸} در برخی مناطق نیز، عروس، بشقاب چینی را که برعکس جلوی در گذاشته شده، با پای راست می‌شکند و سپس با همان پای راست وارد خانه می‌شود.^{۴۹} در نزد نَخُورلی‌ها نیز چنین مرسوم

است که دو ظرف را جلوی پلکان زیر پای داماد و عروس می‌گذارند، تا آنان آن ظرف‌ها را بشکنند. همان‌طور که رسم شکستن ظرف در بین طوایف مختلف، به روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد، باورهای مرتبط با این رسم نیز نزد طوایف مختلف، دارای تفاوت‌هایی هستند. به عنوان مثال: برخی بر این باور هستند که شکستن ظرف توسط عروس و داماد، موجب خوشبختی صاحبان خانه می‌شود.^{۴۰} برخی دیگر بر این باورند که با شکستن ظرف سبب می‌شود که عروس در خانه داماد ماندگار شده و به فکر جدایی نیفتد.^{۴۱} براساس باوری دیگر، عمل شکستن ظرف، مانع دلشکستگی داماد و رنجاندن خانواده و اطرافیان داماد از جانب عروس، خواهد بود.^{۴۲} و هم‌چنین باعث می‌شود غم و غصه جای خود را به شادی و نشاط بدهد.^{۴۳}

■ دفع چشم‌زخم

باور به چشم‌زخم و تلاش برای دفع و رفع آن، مانند اکثر اقوام ایران و آسیایه و سایر نقاط جهان، در بین ترکمن‌ها نیز وجود دارد. بنابر باورهای عمومی، پدیده‌ی «چشم‌زخم» دو ژکن اصلی دارد؛ نخست «چشم شور» یا شخصی که صاحب چشم شور است و چشم می‌زند و دیگری شخص یا چیزی که مورد چشم‌زخم واقع می‌شود. اغلب اقوام ایرانی بر این باورند که چشم شور، پدیده‌ای ذاتی است؛ یعنی بعضی‌ها چشم شور دارند و برخی دیگر ندارند. در بیانی دقیق‌تر، صاحبان چشم شور کسانی هستند که نسبت به ویژگی‌ها یا داشته‌های دیگران حسرت خورده و نسبت به آن حسادت می‌ورزند. بنابراین نخستین ژکن از پدیده‌ی چشم‌زخم، یک عامل انسانی است. اما ژکن دوم، یعنی آن‌چه که مورد چشم‌زخم واقع می‌شود، می‌تواند انسان یا متعلقات و داشته‌های انسان، یعنی حیوانات خانگی و دام و طیور، اشیاء و اسباب و آلات، محصولات کشاورزی، باغ و زمین کشاورزی، خانه و ملک، چاه آب، برخورداری از مواهب طبیعی، صفات و ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی و امثال آن باشد، که حسرت و حسادت دیگران را برانگیخته و موجب بروز چشم‌زخم شود. بنابر آن‌چه که در بالا یاد شده، بنابراین «عروس» نیز می‌تواند از جنبه‌های مختلفی چون زیبایی، صفات اخلاقی، هنرهای خانه‌داری و شوهرداری، جایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و... هدف مناسبی برای چشم شور قلمداد شده، مورد ابتلا به چشم‌زخم واقع شود. بر همین مبنا در بین ترکمن‌ها این باور وجود دارد که عروس شدیداً در معرض ابتلا به چشم‌زخم قرار داشته و به همین واسطه اقداماتی در راستای پیشگیری و دفع چشم‌زخم از او انجام می‌شود.

پیش از این، ذیل باور به آثار مثبت آتش و دود اسپند و اجاق و ... به یکی از باورهای قوم ترکمن در ارتباط با پیشگیری از چله افتادن بر عروس، با استفاده از دود اسپند، اشاره شد. لازم به یادآوری است که هرچند بیان شد که چله افتادن نوعی طلسم محسوب می‌شود، لکن نباید این نکته را از نظر دور داشت، که ابتلای عروس به این نوع طلسم، می‌تواند خود از آثار چشم‌زخم باشد. درواقع، علاوه بر این که دود اسپند خاصیت پالایندگی داشته و انرژی‌های منفی ناشی از چشم‌زخم را خنثی می‌کند، خود دود نیز بر چشم شور اثر گذاشته، قدرت نفوذ آن را کاهش خواهد داد.

ترکمن‌ها غالباً برای جلوگیری و دفع چشم‌زخم، از انواع اشیاء و جواهرات استفاده می‌کنند، بدین صورت که وقتی می‌خواهند کسی یا چیزی را از گزند چشم‌زخم دور نگاه دارند، برخی جواهرات یا اشیائی که دارای شکل و رنگ خیره‌کننده هستند را به آن شخص یا آن چیز می‌آویزند، تا نخستین چیزی که چشم شور به آن برخورد کرده و یا به آن خیره می‌شود، همان جواهرات یا اشیاء باشند و بدین واسطه قدرت نفوذ چشم شور را شکسته و اثر تخریبی آن را کاهش می‌دهند. با این استدلال، از دیگر ویژگی‌های دود اسپند این است که با پخش شدن دود در فضا، صاحب چشم شور دید درستی نسبت به عروس نخواهد داشت و قدرت نفوذ آن از بین خواهد رفت. در سایر فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها نیز استفاده از اشیاء و زیورآلات و جواهرات، برای دفع چشم‌زخم مرسوم است، که اصطلاحاً در زبان فارسی به این اشیاء و زیورآلات «چشم‌نظر» می‌گویند.

علاوه بر موارد یادشده در بالا، همان‌طور که در بخش نخست این مقاله در ارتباط با پوشش عروس ذکر شد، «در دوران باستان در بین ترکمنان اعتقاد بر این بود که عروس قابلیت تبدیل شدن به طعمه‌ای مطلوب برای ارواح شیطانی و سایر ارواح خبیث را دارد؛ به همین خاطر بود که صورت و تمام اندام عروس را به‌طور کامل می‌پوشاندند، تا از دید شیاطین پنهان و از شر شیاطین در امان باشد».^{۵۴} اکنون با توجه به بحث چشم‌زخم، می‌توان گفت شاید یکی دیگر از دلایل پوشاندن کامل صورت و اندام عروس، جلوگیری از دامنه‌ی نفوذ چشم شور می‌باشد. چنان‌که در مورد زیورآلات و آویزهای جواهرنشانی که به کلاه و سرپوش عروس متصل است نیز می‌توان گفت یکی از کارکردهای این زیورآلات، انحراف دید چشم شور، از چهره‌ی عروس است. در تأیید این ادعا باید گفت که علاوه بر زیورآلات خیره‌کننده، بخشی از تزئینات لباس و پوشش عروس، شامل نخ‌هایی از پشم شتر، خرمهره‌هایی به شکل چشم و یک کیسه مثلثی حاوی زغال‌سنگ و نمک بوده است،^{۵۵} که طبق باورهای کهن، همگی این موارد در مقابل چشم‌زخم نقش محافظتی دارند.

یوسف قوجق در مورد باورهای ترکمن‌ها در دفع چشم‌زخم نسبت به عروس، نوشته: «یکی از کارهایی که برای ممانعت از چشم‌زخم انجام می‌دادند، این بود که قبل از این‌که عروس پایش را به خانه شوهر بگذارد، مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در جلوی درِ اتاقی که قرار است او را به آنجا بیاورند، زنجیری می‌انداخته‌اند».^{۵۶}

قوجق در باره این عمل چنین توضیح می‌دهد: «زنجیر نمادی از هماهنگی و وحدت عشاق، پیوستگی خانوادگی، ایثار عشاق و امید به ماندن در کنار هم است. زنجیر و طناب دو وسیله برای بستن است، به‌طور مثال، دو پای جلوی اسب را با طناب می‌بندند تا آرام باشد و نتواند فرار کند. هم‌چنین زنجیر وابستگی گسست‌ناپذیر را هم نشان می‌دهد»^{۵۷} با این توضیح می‌توان گفت که زنجیر نوعی طلسم است که علاوه بر این، می‌توان گفت که شاید زنجیر به‌طور نمادین چشم شور را به بند می‌کشد. البته در توضیحی منطقی‌تر می‌توان گفت که چون وجود زنجیر در جلوی درِ اتاق غیرمتعارف است، بنابراین نخستین نگاه و توجه بینندگان را به خود جلب کرده و سبب می‌شود انرژی منفی چشم شور به زنجیر اصابت کند.

در برخی مناطق ترکمن نشین، پس از آن که عروس وارد خانه‌ی جدید شد، او را در گوشه‌ای در پشت پرده‌ای به نام «گردک» یا «توتی» می‌نشانند. گردک، پرده‌ایست که تمامی سطح آن با باریکه‌های پارچه‌ی تزیین شده و در بالای آن طلسم‌های مثلث و دایره‌شکل و نیز یک چشم باطل‌ال‌سحر موسوم به «آلجی باغی» و نقشی به شکل خورشید، با پارچه‌ی دوخته شده است. این پرده محل نشستن عروس را از دیگران جدا می‌کند^{۵۸} و بدین ترتیب عروس در معرض دید دیگران قرار نمی‌گیرد.

به تعبیری دیگر، این عمل به معنای آن است که عروس خوب و بد نبیند^{۵۹} و علاوه بر این موارد، نشانند عروس در پشت پرده، برای جلوگیری از چشم‌زخم و پنهان ماندن عروس از چشم نامحرم^{۶۰} و هم‌چنین برای راحتی خود عروس بوده است.^{۶۱}

در گذشته، عروس به جای خانه‌ی داماد، وارد آلاچیق داماد می‌شده است؛ در بین تیره‌های مختلف رسم بر آن بود که پس از ورود عروس به آلاچیق جدید و قرار گرفتن در پشت پرده توتی یا گردک، بلافاصله لحافی را بر روی سر عروس می‌انداختند، به این نیت که عروس در آینده سنگین و باوقار باشد.^{۶۲}

درضمن، برای حفظ عروس از بلایا و چشم‌بد، نمی‌گذارند در محل مخصوص نشستن عروس در خانه‌ی جدید، کس دیگری بنشیند.^{۶۳}

طبق باوری دیگر، کسانی که برای دیدار عروس می‌آیند، چارقد او را از صورت‌اش کنار می‌کشند، تا صورت او را ببینند و با بیان جملاتی چون: «ماشاءالله! ماشاءالله!»، «ماشاءالله چشم نخورد!»، «خداوند از چشم‌زخم حفظ کند» و... در حق او دعا می‌کنند.^{۶۴}

اگر عروس جهیزه‌ی زیاد و چشم‌گیری به خانه داماد آورده باشد، برای جلوگیری از چشم‌زخم «گوزلی‌دوغا» می‌گیرند و میان وسایل او می‌گذارند.^{۶۵}

■ زخم‌زبان

در باور عامه اغلب اقوام کهن، همان‌طور که چشم زدن آثار منفی و مخربی دارد، زخم‌زبان و یا نفوس شرّ نیز می‌تواند آثار بدی داشته باشد. در یک باور، چشم‌زخم زمانی اثر خواهد داشت که صاحب چشم شور، چیزی را ببیند و حسادت خود را با حس حسرت و تعجب بر زبان بیاورد. همان‌طور که این اعتقاد وجود دارد که بیان سخنان منفی (منفی‌بافی) می‌تواند آثار مخرب داشته باشد، درمقابل این باور نیز رایج است که بر زبان آوردن سخنان خوب و امیدبخش، می‌تواند آثار مثبت و سازنده به همراه داشته باشد.

به هر روی، با توجه به آثار منفی زخم‌زبان و نفوس شرّ، اقداماتی برای دفع آن صورت می‌گیرد. باتوجه به آن‌که غالباً اقدامات مرتبط با دفع زخم‌زبان، با دفع چشم‌زخم یکی است، از تکرار آن‌ها خودداری خواهیم کرد و تنها به



این بسنده می‌کنیم که یکی از راه‌های دفع نفوس شرّ و زخم زبان، بیان سخنان خوب و مثبت و امیدبخش است. در همین ارتباط، در بین برخی از ترکمن‌ها اعتقاد بر این است که عروس وقتی به خانه داماد آورده می‌شود، باید بسم‌الله بگوید.^{۶۶}

■ قربانی کردن و نثار غلات بر سر عروس و داماد

یکی از رایج‌ترین باورهای رایج در بین پیروان ادیان کهن – به ویژه در بین مسلمانان – قربانی کردن است. قربانی کردن، به طور عموم با این باور همراه است که ریختن خون حیوان حلال گوشت، برای دفع بلاها و دور کردن نیروهای منفی و بروز حوادث ناگوار، اثرگذار است. در برخی ادیان کهن مانند میترائیسم و مهرپرستی، قربانی کردن حیوان (گاو) و جاری کردن خون آن بر روی زمین، به منزله‌ی دمیدن روح در کالبد زمین و یا جاری کردن خون در رگان زمین است، که در نهایت موجب رویش انواع گیاهان، یا به عبارتی، موجی زایش طبیعت بوده است. ترکمن‌ها که از گذشته‌های بسیار دور جزو اقوام دامدار بودند، به قربانی کردن باوری عمیق و جدی داشته، در بسیاری از مراسم و مناسبات اقدام به قربانی کردن گوسفند یا گاو می‌کردند. بنابراین، در بین بعضی از طوایف ترکمن رسم بر این است که هنگام آوردن عروس به خانه داماد، در حیاط خانه داماد، جلوی پای عروس گوسفند یا گاو قربانی ذبح می‌شود.^{۶۷} بنا بر توضیحات ارائه شده در مورد باورهای کهن در ارتباط با قربانی کردن، می‌توان گفت: قربانی کردن در جلوی پای عروس و داماد، ضمن این‌که با نیت و آرزوی دور شدن بلاها و حوادث از آنان است، در باوری کهن‌تر می‌تواند با نیت و آرزوی زاینده‌ی و ازدیاد نسل آنان باشد. چنان‌که در بین برخی از ترکمن‌ها رسم بر این است که علاوه بر قربانی کردن، در همان حیاط خانه‌ی داماد، بر سر عروس ذرت بوداده می‌پاشند، تا صاحب فرزند زیاد و ترجیحاً پسر شوند.^{۶۸}

■ استقبال از عروس در خانه‌ی جدید

با ورود عروس به خانه‌ی جدید، پدر و مادر داماد و خویشاوندان نزدیک او به استقبال عروس می‌روند. البته در بین برخی طوایف ترکمن مرسوم است که مادرشوهر، عروس را در خانه جدید استقبال می‌کند و در بین برخی طوایف دیگر، این کار برعهده‌ی مسن‌ترین زن خانواده داماد است.^{۶۹} در بین گروهی از ترکمن‌ها نیز چنین رسم است که هنگام ورود عروس به خانه‌ی جدید، پیرزنان به استقبال نوه‌ی عروس آمده، به پیشانی او دست می‌کشند و برای او آرزوی خوشبختی می‌کنند.^{۷۰} در بیشتر مناطق ترکمن‌نشین، وقتی عروس به خانه جدید آورده می‌شود، نخستین کسی که با او دیدار می‌کند، مادرشوهر است؛ او بر شانه عروس می‌زند و رویش را می‌گشاید و با آرزوی خیر، دست خود را به صورت عروس می‌کشد.^{۷۱}

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، هنگام استقبال از عروس در خانه‌ی جدید، برخی با دود اسپند از عروس و داماد استقبال می‌کنند، برخی دست‌های خود را به عنوان تبرک به سوی آنان دراز کرده و بر صورت و پیشانی خود می‌کشند و گاهی نیز زنان چله افتاده تلاش می‌کنند با بریدن راه عروس و عبور از جلوی او، چله را از خود رفع کنند. علاوه بر موارد یاد شده، در این مرحله رسوم و سنت‌های دیگری نیز نزد اقوام

ترکمن رایج است، که برخی از این رسوم ریشه در باورهای آنان دارد. بنابراین در ادامه بخشی از رسوم مرتبط با باورهای ترکمن - در مرحله ورود عروس به خانه جدید - ذکر خواهد شد:

■ استقبال با آردیانان

در شمال ترکمنستان، وقتی مادرشوهر به استقبال عروس می‌آید، بر روی او آرد می‌ریزد. آرد نماد برکت و به خاطر رنگ سفیدش نماد خوشبختی است.^{۷۲}

در برخی مناطق نیز، گاهی مادر داماد و گاهی هم یکی از افراد خانواده‌ی داماد، با آرزوی سفیدبخت شدن، خوشبختی و سعادت تازه عروس، به پیشانی او آرد (آرد سفید) می‌مالند^{۷۳} و با این کار خوشبختی او را آرزو می‌کنند.^{۷۴} آنان ضمن این کار، چنین دعا می‌کنند: «آلننگ آچئق بؤلسون آياغئنگ دؤشسؤن»،^{۷۵} یعنی: «خوشبخت بشوی و خوش قدم باشی».

در بسیاری از شهرهای استان لباب، مادرشوهر عروس با دادن جفت نان به دست عروس از او استقبال می‌کند.^{۷۶}

■ پوشیدن لباس سنتی

در دویدوق، واقع در استان خراسان شمالی، سالخوردگان هنگام عروسی فرزندان‌شان با لباس سنتی به استقبال عروس می‌روند، زیرا معتقدند این لباس خوش‌یمن است. عروس نیز به مدت یک ماه لباس سنتی بر تن می‌کند، چراکه آنان معتقدند که پوشیدن آن لباس، عروس را از نحسی «چيله» (چله)، مشکلات و بلایا دور می‌کند.^{۷۷}

در بین گروهی از طوایف ترکمن چنین مرسوم است که عروس به مدت یک ماه لباس سنتی بر تن می‌کند، این رسم با این باور انجام می‌شود که پوشیدن لباس سنتی، عروس را از نحسی (چيله)، مشکلات و بلایا دور می‌کند.^{۷۸}

■ نثار کردن پول و قند بر روی عروس

صاحبان عروسی، روی عروس پول می‌ریزند و هر کس که آن پول‌ها را می‌گیرد، به پیشانی خود می‌مالد و می‌گوید: خدا نصیب ما هم بکند.^{۷۹}

در برخی مناطق، مادرشوهر روی عروس قند می‌ریزد و این کار را با این نیت انجام می‌دهند که زندگی زوج تازه، شیرین شود و در زندگی خوشبخت بشوند.^{۸۰}

در برخی مناطق ترکمنستان، هنگام قدم گذاشتن عروس به خانه‌ی داماد، روی دامان لباس او قند می‌ریزند.^{۸۱}

■ شربت و شیرینی

در مناطق شرق و جنوب شرقی ترکمنستان، خانواده‌ی داماد برای مراسم استقبال از عروس و داماد شربت تهیه کرده، هنگام ورود عروس به خانه‌ی جدید، ابتدا عروس و داماد از این شربت نوشیده و باقی آن بین میهمانان پخش می‌شود. هم‌چنین در این مناطق، عروس و داماد به یکدیگر نان و در برخی مناطق شیرینی، می‌خورانند.^{۸۲}

■ لگد کردن پای عروس

در بین برخی از طوایف ترکمن مرسوم است که قبل از ورود عروس به خانه داماد، مادر داماد، عروس را بغل می‌کند و دست به شانه‌اش می‌زند و به ظاهر ندانسته و بدون این‌که اطرافیان متوجه بشوند، به آرامی نوک پای عروس را لگد می‌کند. این مورد از این باور منشاء گرفته که عروس از حرف ما بیرون نیاید، یا به تعبیر دیگر، طبق خواسته‌ی ما عمل کند، با شوهرش و خانواده‌ی ما همدل باشد و هم‌چنین موقعیت‌اش کمتر از ما باشد.^{۸۳} در باوری شبیه به این مورد، مادر داماد، هنگام ورود عروس باید وانمود کند که متوجه نشده و به آرامی پای راست عروس را لگد کند؛ در چنین حالتی مادر شوهر بر عروس مسلط می‌شود و حرف خود را بر کرسی می‌نشانند.^{۸۴} به عبارت دیگر، این کار را می‌کند تا عروس‌شان حرف‌شنو و مطیع افراد بزرگ‌تر خانواده باشد.^{۸۵}

■ ورود به خانه داماد، با پای راست

در باور ترکمنان ورود به برخی مکان‌ها، با پای راست، اهمیت خاصی دارد و برای رعایت یا عدم رعایت آن آثار مثبت یا منفی قایل هستند.

در ارتباط با بحث ما، عروس وقتی به خانه داماد می‌آید، حتماً باید با پای راست وارد خانه شود،^{۸۶} با این نیت که عروس خوش قدم باشد.^{۸۷} این واژه در ذهن مردم نهادینه شده که اگر عروس با پای چپ وارد خانه شود، همیشه با مادر و پدر شوهرش دچار اختلاف و ناسازگاری خواهد بود؛ چنان‌که اگر در خانواده اتفاق ناخوشایندی و یا ناکامی رخ دهد، می‌گویند: عروس با پای راست وارد خانه نشده و او خوش قدم نبوده است.^{۸۸}

■ مفروش کردن زیر پای عروس

از دیگر اقداماتی که در این مرحله انجام می‌شود، این است که یک پارچه‌ی سفیدرنگ و یا قالی سفید در زیر پای عروس است پهن می‌کنند.

در برخی مناطق ترکمن‌نشین، وقتی عروس در حال عبور از آستانه خانه‌ی داماد است، پارچه سفیدی زیر پای او پهن می‌کنند^{۸۹} و چنین باور دارند که عروس با عبور از روی پارچه سفید، روزهای خوش و باسعادت خواهد داشت؛ در ادامه، پس از آن‌که عروس از روی پارچه سفید عبور کرد، آن پارچه را تگه تگه کرده و به‌عنوان تبرک بین کسانی که به عروسی آمده‌اند، تقسیم می‌کنند.^{۹۰}

در جنوب شرقی ترکمنستان نیز چنین مرسوم است که وقتی عروس برای اولین بار به خانه داماد وارد می‌شود، پارچه کتان سفیدرنگی زیر پای او پهن می‌کنند و عروس باید برای ورود به خانه داماد، پای خود را روی آن پارچه سفید بگذارد و سپس وارد خانه شود؛ سپس این تکه پارچه‌ی کتان بریده شده و بین جوانان تقسیم می‌شود.^{۹۱}

در ارتباط با این رسم، باور عمومی چنین است که عروس با عبور از روی پارچه سفید، سفیدبخت شده و یا به عبارت دیگر، در مسیر سپیدبختی گام برمی‌دارد. هم‌چنین کسانی که تگه‌های پارچه سفید را به‌عنوان تبرک

می‌گیرند، چنین آرزو می‌کنند که بخت خودشان یا بخت فرزندان و نزدیکان‌شان باز شده و سفیدبخت شوند. در برخی مناطق ترکمن نشین رسم است که از بیرون درِ خانه‌ی داماد، تا محلی که قرار است عروس در داخل خانه بنشیند، فرش سفید پهن می‌کنند و عروس را تا مکانی که قرار است بنشیند، از روی فرش سفید عبور می‌دهند؛ با این کار، ورود همراه با سعادت و خلوص و پاک‌ی عروس به خانه‌ی جدید را سمبولیزه می‌کنند.^{۹۲} در شمال ترکمنستان، عروس قبل از ورود به خانه، پاهایش را بر روی پوست گوسفندی که روی زمین پهن شده، پاک می‌کند و سپس با پای راست وارد خانه می‌شود.^{۹۳}

■ پانویس‌ها

- ۱- اۆزبای. ۲۰۱۹. ۱۳۸.
- ۲- غوریانوف. ۲۰۱۰. ۱۸۲.
- ۳- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۰.
- ۴- نورمحمد مرادی. ۱۴۰۰.
- ۵- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۰.
- ۶- بالتایف. ۲۰۱۳. ۱۴۵. به نقل از تۆره. ۲۰۱۴. ۲۰.
- ۷- قوجق. ۱۳۹۲. ۱۵۵.
- ۸- الیاسوا. ۲۰۰۵. ۴۶.
- ۹- الیاسوا. ۲۰۰۵. ۴۷.
- ۱۰- محمدیان، محمدکریم. ۱۴۰۴.
- ۱۱- ر.ک. اۆرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۰.
- ۱۲- همان. ۱۳۰.
- ۱۳- همان‌جا.
- ۱۴- اۆرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۵.
- ۱۵- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۱.
- ۱۶- ر.ک. اۆرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۵.
- ۱۷- اۆرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۵.
- ۱۸- همان‌جا.
- ۱۹- کسارئیان. ۲۱. ۱۳۷۹.
- ۲۰- رهنما، ناصر. ۱۴۰۲. ۳۷.
- ۲۱- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۵.
- ۲۲- تاتلیلی اوغلو. ۱۴۰۴. ب. ۱۶.
- ۲۳- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۲.
- ۲۴- کسارئیان. ۱۳۷۰. ۲۹.
- ۲۵- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۱.
- ۲۶- بالتایف. ۲۰۱۳. ۱۴۹؛ پنچییف و سولطانووا. ۲۰۰۲. ۲۷۱، به نقل از تۆره. ۲۰۱۴. ۲۱.
- ۲۷- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۱.
- ۲۸- اۆرأیف. ۱۹۹۳. ۴۹.
- ۲۹- الیاسوا. ۲۰۰۵. ۴۹.
- ۳۰- الیاسوا. ۲۰۰۵. ۵۶.
- ۳۱- پنچییف. ۲۰۰۲. ۲۷۱-۲۷۰.
- ۳۲- الیاسوا. ۲۰۰۵. ۵۰.
- ۳۳- روزیوا. ۱۳۸۳. ۱۰۸.
- ۳۴- اکرم اۆزبای. ۲۰۱۹. ۱۳۸.
- ۳۵- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۵.
- ۳۶- تاتلیلی اوغلو. ۱۴۰۴. ب. ۱۷.
- ۳۷- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۴.
- ۳۸- حسین‌زاده، آرتق. ۱۴۰۳.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۲.
- ۴۱- تاتلیلی اوغلو. ۱۴۰۴. ب. ۱۸-۱۷.
- ۴۲- قوجق. ۱۳۹۲. ۱۵۸.
- ۴۳- اکرم اۆزبای. ۲۰۱۹. ۱۳۸.
- ۴۴- مرادی، نورمحمد. ۱۴۰۰.
- ۴۵- اکرم اۆزبای. ۲۰۱۹. ۱۳۸.
- ۴۶- کسارئیان. ۲۱. ۱۳۷۰.
- ۴۷- عسگری خانقاه. ۱۳۷۴. ۱۳۸.
- ۴۸- عطار. ۱۳۸۶. ۴۱.
- ۴۹- تۆره. ۲۰۱۴. ۲۲.
- ۵۰- غوریانوف. ۲۰۱۰. ۱۸۳.
- ۵۱- اسفندیاری، اینجی. ۱۴۰۰.
- ۵۲- مرادی، نورمحمد. ۱۴۰۰.
- ۵۳- نوروزی، حمیدرضا. ۱۴۰۰.
- ۵۴- درگاه اینترنتی «ترکمن پورتال» به نشانی الکترونیک [1597/https://turkmenportal.com/ru/articles]
- ۵۵- سایت گردشگری ادونچر (زبان روسی) به نشانی الکترونیک [https://www.advantour.com/rus/turkmenistan/traditions/charms.htm]

- ۵۶- قوجق، یوسف. ۱۳۹۲. ۱۵. همان جا. ۵۷- همان جا. ۵۸- کسرائیان، ۲۱. ۱۳۷۰.
- ۵۹- تاتلیلی اوغلو. ۱۴۰۴. ب. ۱۸. ۶۰- قوجق. ۱۳۹۲. ۱۳۲. ۶۱- همان جا.
- ۶۲- معطوفی. ۱۳۸۳. ج ۳: ۲۱۴۲. ۶۳- روزیوا. ۱۳۸۳. ۱۰۸. ۶۴- ر.ک. تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۵.
- ۶۵- اسفندیاری، اینجی. ۱۴۰۰. ۶۶- اسفندیاری، اینجی. ۱۴۰۰؛ قوجق. ۱۳۹۲. ۱۷۶.
- ۶۷- تاتلیلی اوغلو. ۱۴۰۴. ب. ۱۷. ۶۸- همان جا. ۶۹- توره. ۲۰۱۴. ۲۲.
- ۷۰- الیاسووا. ۲۰۰۵. ۲۳. ۷۱- ر.ک. الیاسووا. ۵۱.
- ۷۲- بالتایف. ۱۵۱۳. ۲۰۱۳: به نقل از توره. ۲۲. ۷۳- الیاسووا. ۲۰۰۵. ۵۱؛ فجوری. ۱۴۰۰. ۴۳.
- ۷۴- فجوری. ۱۴۰۰. ۴۳. ۷۵- اؤرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۶.
- ۷۶- بالتایف. ۱۵۱۳. ۲۰۱۳: به نقل از توره. ۲۲. ۷۷- عزت اللهی نژاد. ۱۳۹۹. ۲۴۱.
- ۷۸- عزت اللهی نژاد. ۱۳۹۹. ۲۴۱. ۷۹- ر.ک. اؤرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۶. ۸۰- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۷.
- ۸۱- توره. ۲۰۱۴. ۲۲. ۸۲- توره. ۲۰۱۴. ۲۲. ۸۳- اؤرأیف. ۱۹۹۵. ۱۳۶.
- ۸۴- الیاسووا. ۲۰۰۵. ۵۱. ۸۵- قوجق. ۱۳۹۲. ۱۵۷.
- ۸۶- پنجی یف. ۲۰۰۲؛ الیاسووا. ۲۰۰۵. ۵۰؛ بالتایف. ۱۵۰۳. ۲۰۱۳: به نقل از توره. ۲۲. ۲۰۱۴؛ اسفندیاری، اینجی و نورمحمد مرادی. ۱۴۰۰.
- ۸۷- چاریوا. ۱۳۹۵. ۴. ۸۸- الیاسووا. ۲۰۰۵. ۵۰. ۸۹- ملتی، مهین. ۱۴۰۰؛ الیاسووا. ۲۰۰۵. ۴۹.
- ۹۰- الیاسووا. ۲۰۰۵. ۴۹. ۹۱- توره. ۲۰۱۴. ۲۲. ۹۲- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰. ۱۵۵.
- ۹۳- بالتایف. ۱۵۰۳. ۲۰۱۳: به نقل از توره. ۲۲.

■ منابع و مآخذ فارسی

آقی پور، مجید (۱۳۹۶). دورت بوغون (چهار بند): جستارهایی در فرهنگ شفاهی قوم ترکمن، با تکیه بر مطالعه میدانی در کوموش تپه. گرگان: مختومقلی فراغی، چاپ اول.

تاتلیلی اوغلو، دورموش (۱۴۰۴ ب). خانواده و ساختار آن از دیدگاه جامعه‌شناسی دین در ترکمنستان: ازدواج، عقد و طلاق. ترجمه: آنادردی کریمی. فصلنامه فراغی، شماره ۹۹، صص ۱۹-۱۶.

جهانشاهی، علی و حمید کاویانی پویا (۱۳۹۸). آبستنی در ادبیات و فرهنگ عامه، دومانه فرهنگ عامه، سال ۷، شماره ۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸.

چاریوا، اوغل جمال (۱۳۹۵). حاقیدا مرجن لری، چاپا تایارلان: حاج قاقابای ارزانی، گل صحرا، سال دوم، شماره ۲۳، یکم مرداد.

ذوالفقاری، حسن و علی اکبر شیری (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه، چاپ دوم.

ذوالفقاری، شکوه اعظم (۱۳۸۳). مراسم عروسی در بین ترکمن‌های نخورلی، به روایت: فاطمه وحیدی. یاپراق، فصلنامه

بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶-۲۳، صص ۴۴-۳۸.

راسخ‌یلدرم، محمد صالح (بی‌تا). تاریخ و فرهنگ ترکمن‌ها، بی‌جا، بی‌نا.

رحیمی، صاحب‌جمال (۱۳۹۶). مراسم عروسی در بین ترکمن‌های جرگلان، گل صحرا، سال چهارم، شماره ۴۰.

روزیوا، ماهیم (۱۳۸۳). بر روی دوش راستم ثواب است و بر روی دوش چپم شرم (برخی از آداب عروسی ترکمن‌ها).

ترجمه: مرضیه اونق. یاپراق، فصلنامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی، شماره ۲۶-۲۳، سال پنجم، صص ۱۰۹-۱۰۶.

رهنما، ناصر (۱۴۰۲). سیری کوتاه به آداب و رسوم ترکمن‌های خراسان شمالی، بخش دوم (پایانی). دانش صحرا،

فصل‌نامه فرهنگی، ادبی، اجتماعی، شماره ۵، سال دوم، پاییز ۱۴۰۲، صص ۴۰-۳۶.

عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه (۱۳۹۹). خودتئزینی زنان ترکمن، درآمدی بر انسان‌شناسی زیباشناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ

هنر و ارتباطات، چاپ اول.

عسگری‌خانقاه، اصغر و محمدشریف کمالی (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن: پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی.

تهران: اساطیر، چاپ اول.

عطار، ربابه (۱۳۸۶). عروسی و ازدواج در عشق‌آباد. یاپراق، فصلنامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی، شماره ۳۹ و ۴۰،

صص ۴۱-۴۰.

فجوری، ستاربردی (۱۴۰۰). پژوهشی در تاریخ روستای اجن سنگرلی. گرگان: ویراست، چاپ اول.

قوجق، یوسف (۱۳۹۲). مردم‌شناسی نمادهای مناسک گذار (تولد، ازدواج و مرگ) انسان در قوم ترکمن. پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

کسرائیان، نصراله و زیبا عرشی (۱۳۷۰). ترکمن‌های ایران (پژوهش تاریخی - مردم‌شناسی)، تهران: نصراله کسرائیان،

چاپ اول.

گلی، امین (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها. تهران: نشر علم، چاپ اول.

لوگاشوا، بی‌بی‌رایعه (۱۳۵۹). ترکمنهای ایران. ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی. تهران: شباهنگ، چاپ اول.

معطوفی، اسداله (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمنان (۳ جلدی). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.

میرمیران سلاکجانی، سیدمجتبی و آلاله عابدی (۱۳۹۴). آیین‌ها و نمادهای تشریف در فرهنگ ترکمن و گالش. رشت:

دهسرا، چاپ اول.

■ منابع و مأخذ لاتین

Türkmenistanyň etnologiyasy. Türkmenistanyň ýokary okuw. (۲۰۱۰) Gurbanow H.D. we A.Gurbagulyýewa

.mekdepleriniň taryh hünäriniň talyplary üçin okuw kitaby. Aşgabat

Lebap çarçov Türkmenlerinde.(۲۰۰۲)Penciyev, murat, sultanova, Ayna

۲۷۲ -۲۶۵ ss ,۱۴ ,Düğün Adetleri, Türk Dünyası dil ve Edebiyat dergisi

.Türkistanda parlayan bir yıldız türkmenistan, İstanbul, Hiperlink yayınları ۲۰۱۹ Özbay, ekrem

türkmen "ırımları" (halk inançları), cumhuriyet Üniversitesi ilahiyat fakültesi dergisi. (۲۰۰۰) Tatlılıoğlu, durmuş

۱۶۶ – ۱۵۱, hakemli dergi iv: sayı, sıvas

«ЫРЫМЛАР. АШГАБАТ» Рух. (۱۹۹۳) Өрәев Аразбай

«Адат. (Түркмениң мнлнлн дәп-дессурлары). А.: Рух (۱۹۹۵) Өрәев Аразбай

TÜRKMENLERDE	HALK	KÜLTÜRÜ	(۲۰۱۴)TÖRE	Maral			
Halk	Takvimleri,	Haftanın	Günleri ve	Sāhetli	Gün,	Gelin	Alma)

۲۹ Gelenekleri ve İnanışları) Muğla Büyükşehir Belediyesi Kültür Yayınları

.Türkmen halk ırym – ınançlary, aşgabat, mıras. (۲۰۰۵) Yılasowa, gurbanjema

■ اشخاص

اسفندیاری، اینجی (۱۴۰۰). ۷۴ ساله، بی سواد، از طایفه نُخوری، ساکن بجنورد.

حسین زاده، آرتق (۱۴۰۳). نویسنده و فعال فرهنگی، ساکن شهرستان کلاله.

محمدیان، محمدکریم (۱۴۰۴). لیسانس معارف اسلامی، ساکن روستای چنارلی استان گلستان، معلم بازنشسته و

فعال فرهنگی، ۵۳ ساله.

مرادی، نورمحمد (۱۴۰۰). دیپلم و فعال فرهنگی، ۵۰ ساله، از ترکمنان طایفه نُخوری، ساکن شهرستان بجنورد.

ملتی، شهین (۱۳۹۹ و ۱۴۰۰). معلم بازنشسته، لیسانس علوم تجربی، ساکن گنبدقابوس.

ملتی، مهین (۱۴۰۱). دیپلم، ۵۰ ساله، ساکن گنبدقابوس.

نوروزی، حمیدرضا (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). مهندسی عمران آب و فاضلاب، ۵۲ ساله، از طایفه نُخوری ساکن بجنورد.

